

## نگرانی ژنرال آبرونساید از عدم استقلال ایران!

۱۱ مرداد ۱۳۹۵ ساعت ۲۱:۲۹

در آن سرزمین من تنها یک مرد را دیدم که توانایی رهبری آن ملت را داشت. او رضاخان بود. مردی که عنان اختیار تنها نیروی موثر نظامی کشور را در دست داشت. آیا شاه آن قدر عاقل بود که به این مرد اعتماد کند؟

جوان و تاریخ- تاریخ شفاهی



درباره نقش انگلیسی ها در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ زیاد شنیده اید. اگرچه هنوز هم هستند کسانی که اعتقاد دارند این قیام انگلیسی نبوده است. انگلیسی ها پس از شکست در به اجرا گذاشتن قرارداد ۱۹۱۹ ناگزیر بودند که به حربه دیگری متوسل شوند. بخصوص آنکه به غیر از ایرانیان تمامی دولت های مقتدر از جمله شوروی و ایالات متحده نیز مخالف این قرارداد بودند. اینگونه بود که گزینه کودتا را در پیش گرفتند. هدف از کودتا حفظ منافع انگلیس و تشکیل دولتی مقتدر در مقابل کمونیسم بود. عامل

کودتا نیز رضاخان میرپنج. اما همه اینها به نوعی دیگر بیان شد. به نام ایران و به اسم نگرانی از آینده ایران. خاطرات ژنرال آبرونساید بیانگر نوعی نگرانی کاذب و هدفمند انگلیسی ها است:

«خدمت من در ایران زیاد طول نکشید و من نمی توانم ادعا کنم که درباره این کشور اطلاعات عمیقی به دست آورده ام. در تمام طول این مدت نیز، تعجبم از این بود که این کشور چگونه توانسته است تا به حال استقلالش را حفظ کند. و نگرانی ام این بود که آیا ایران پس از ترک قوای ما، باز هم خواهد توانست استقلالش را حفظ کند؟»

... آنچه ایران به آن احتیاج داشت، یک رهبر بود. شاه جوان، تنبل و بزدل بود و همیشه ترس جان خود را داشت. برخورد کوتاه من با او مرا واداشت که فکر کنم او همیشه در آستانه اتخاذ این تصمیم است که به اروپا بگریزد و ملتش را به حال خود رها کند. در آن سرزمین من تنها یک مرد را دیدم که توانایی رهبری آن ملت را داشت. او رضاخان بود. مردی که عنان اختیار تنها نیروی موثر نظامی کشور را در دست داشت. آیا شاه آن قدر عاقل بود که به این مرد اعتماد کند؟» ۱

پی نوشت ها:

۱- سرادموند آبرونساید، خاطرات و سفرنامه ژنرال آبرونساید در ایران، ترجمه بهروز قزوینی، تهران، نشر آینه، ۱۳۶۱، ص ۷۹

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۳۰۱۴/ژنرال-نگرانی-آبرونساید-ژنرال-نگرانی-۱۴۰۳>